

شورای همکاری خلیج فارس: از مدیریت همکاری تا تعمیق همگرایی اقتصادی

رضا اکبریان^۱، محسن شکری^۲

تاریخ دریافت: ۱۳۹۵/۹/۲۷

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۶/۲/۱

چکیده

خروج بریتانیا از منطقه خلیج فارس در اواخر دهه ۱۹۶۰ با استقلال سیاسی و اقتصادی شیخ‌نشین‌های عربی حوزه خلیج فارس همراه بود. ظهور این بازیگران جدید در عرصه نظام منطقه‌ای خلیج فارس، معادلات ساختاری منطقه را در ابعاد مختلف تحت شعاع قرار داد. دولت‌های عربی حوزه خلیج فارس تحت تأثیر دیالکتیک اندرکنش عوامل سیاسی، اقتصادی، اجتماعی- فرهنگی و امنیتی در سطوح داخلی، منطقه‌ای و بین‌المللی هر چه بیشتر در ایجاد یک سازوکار درون منطقه‌ای ترغیب شدند. در نهایت، این دولت‌ها در یک حلقه ارتباطی مبتنی بر وفاق، شورای همکاری خلیج فارس را تشکیل دادند. این مقاله با تبیین نظری و فرائضی مبانی همگرایی منطقه‌ای و با اتکا به روش‌های مختلف تحلیلی (توصیفی، تحلیلی، تبیینی - علی، فرایندی، ساختاری، کارگزاری)، تلاش می‌کند به این سؤال پاسخ دهد که فرایند همکاری‌ها و همگرایی منطقه‌ای پس از شکل‌گیری شورای همکاری خلیج فارس با چه تحولاتی مهمی روبه‌رو بوده است؟ در این راستا، فرض مهم این نوشتار این است که اولویت‌های شورای همکاری خلیج فارس پس از شکل‌گیری تغییر پیدا کرده و اعضای با نهادسازی بسترمند، ضمن مدیریت همکاری‌ها، مقدمات لازم را برای تعمیق همگرایی اقتصادی در سطح فراملی در بخش‌های مختلف فراهم کرده و با افزایش وابستگی متقابل بین اعضای به یک پروژه همگرایی مهم در جهت منطقه‌گرایی اقتصادی مبدل شده است. یافته‌های پژوهش نیز با بررسی فرایند مدیریت همکاری‌ها در جهت تعمیق همگرایی اقتصادی در چارچوب مدل تحلیلی پژوهش این فرض را تأیید می‌کند.

واژه‌های کلیدی: شورای همکاری خلیج فارس، چندجانبه‌گرایی، تعاملات فراملی، همگرایی اقتصادی، وابستگی متقابل

۱- رضا اکبریان دانشیار دانشکده اقتصاد دانشگاه شیراز rakbarian@shirazu.rose.ac.com

۲- کارشناس ارشد مطالعات منطقه‌ای گرایش خاورمیانه و شمال آفریقا Mohsenshokri85@yahoo.com

۱- مقدمه

بدون تردید منطقه خاورمیانه یکی از مهمترین، حساس‌ترین و پیچیده‌ترین مناطق جهان به شمار می‌آید. آنچه این منطقه را در تمامی ابعاد و حوزه‌ها برجسته ساخته، ویژگی‌های منحصر به فرد سیاسی، اقتصادی، فرهنگی- اجتماعی، جغرافیایی و ژئوپلیتیکی آن است. امروزه این عوامل در پیوستار باهم و در یک فضای دیالکتیکی و اندرکنشی و به شکلی سیستماتیک، ساختار منطقه را به لحاظ ژئوپلیتیکی، ژئواکونومیکی و غیره متحول کرده تا جایی که در چارچوب ساختار شبکه‌ای‌نویین این منطقه، می‌توان از انواع گره‌های ژئوپلیتیکی سخن گفت که در این میان، مهمترین آنها، «خلیج فارس» است.

این گره یا زیستبوم منطقه‌ای پس از جنگ جهانی دوم و خروج بریتانیا با تحولات زیادی روبه رو شد که مهمترین آن را می‌توان استقلال سیاسی و اقتصادی شیخ‌نشین‌های عربی حوزه خلیج فارس دانست؛ که این خود به معنای ظهور بازیگران جدید در عرصه‌ای نظام منطقه‌ای خلیج فارس بود. این شرایط معادلات ساختاری منطقه را تحت تأثیر دیالکتیک اندرکنش مولفه‌های سیاسی، اقتصادی، فرهنگی- اجتماعی و امنیتی و قدرت در ارتباط با سایر بازیگران منطقه به نوعی تحت شعاع قرارداد بطوری که افزایش همکاری‌ها این دولت‌ها در این فضای اندرکنشی، نهایتاً منجر به شکل‌گیری سازمانی تحت عنوان «شورای همکاری خلیج فارس» در نظام منطقه‌ای خلیج فارس شد.

پس از شکل‌گیری شورای همکاری خلیج فارس مسئله‌ای که به جرأت می‌توان گفت هیچگاه از سوی محققان و پژوهشگران (البته بیشتر داخلی) مورد توجه قرار نگرفت، همگرایی اقتصادی در شورای همکاری خلیج فارس بود. به همین دلیل و به دنبال خلط امر هستی‌شناختی با امر تجربی و قضاوت در چارچوب مشاهدات تجربی، اظهارنظرهای- غیرواقعی‌بینانه‌ای را در محافل علمی در خصوص همگرایی اقتصادی و پیشرفت آن در جهت منطقه‌گرایی اقتصادی در شورای همکاری خلیج فارس ایجاد کرده است. این در حالی است

شورای همکاری خلیج فارس: از مدیریت همکاری تا تعمیق همکاری اقتصادی / ۱۹۵

که به نظر می‌رسد اولویت‌های شورای همکاری خلیج فارس پس از شکل‌گیری تغییر کرده و اعضاء با نهادسازی بسترمند، ضمن مدیریت همکاری‌ها، مقدمات لازم را برای تعمیق همکاری اقتصادی به عنوان یک فرایند و وضعیت با اثر سرایتی در سطح فراملی در بخش-های مختلف فراهم کرده و با افزایش وابستگی متقابل بین اعضاء یک پروژه همکاری مهم در جهت منطقه‌گرایی اقتصادی مبدل شده است.

بنابراین این جستار در نگاه به فرایند همکاری اقتصادی در شورای همکاری خلیج فارس با رویکردی انتقادی، نگاه سیستماتیک نظری و رویکردی تلفیقی از بعد روشی (و با تکیه بر روش‌های مختلف فرایندی، علی، بدیل‌سازی، دگرگونی، ساختاری و کارگزاری، مقایسه‌ای، تاریخی، تحلیلی - توصیفی، تبیینی) در تلاش است با ارائه چشم‌اندازی جامع از فرایند همکاری اقتصادی، تا حدودی از ابهامات و همچنین خلاءهای پژوهشی موجود (ویژه در پژوهش‌های داخلی) در حوزه مطالعات روابط بین‌الملل، منطقه‌گرایی و سایر حوزه‌های نوعاً دخیل (مانند اقتصاد بین‌الملل با نگاه ویژه به مطالعات سازمان‌های پولی و مالی بین‌المللی و ادغام منطقه‌ای) بکااهد.

در این راستا، مقاله حاضر ابتدا با تبیین بنیان‌های مفهومی پژوهش و همچنین مبانی نظری و فرانظری همکاری منطقه‌ای به طرح الگوی مفهومی پژوهش خواهد پرداخت. در گام بعدی ضمن واکاوی علل و فرایند شکل‌گیری شورای همکاری خلیج فارس تحول در اولویت‌های این سازمان را در بستر نهادی تجزیه و تحلیل نموده و در نهایت در چارچوب الگوی پژوهش فرایند مدیریت همکاری‌ها در جهت همکاری اقتصادی تبیین و مورد بررسی قرار خواهد داد.

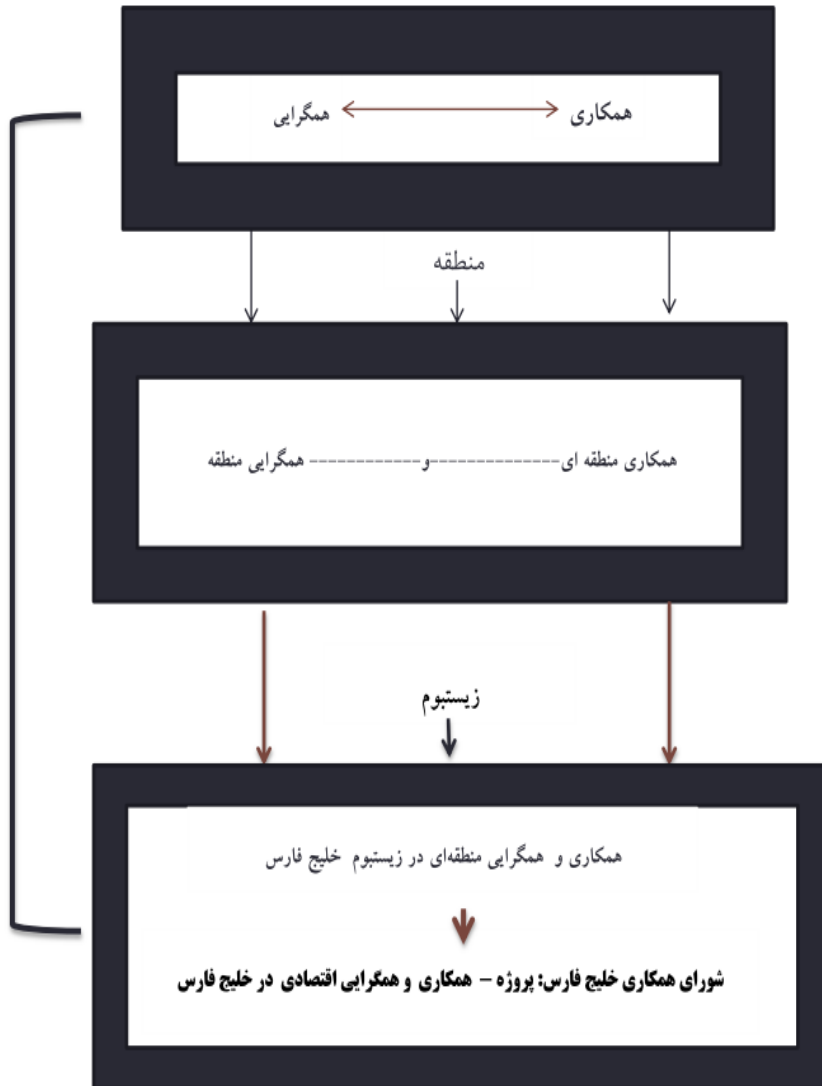
۲- شبکه مفهومی پژوهش

۲-۱. همکاری و همگرایی - اقتصادی در زیستبوم منطقه‌ای: باید میان همکاری و همگرایی

هم به لحاظ کیفی و هم به لحاظ کمی تفاوت قائل شد. همکاری به فعالیت‌هایی اطلاق می‌گردد که با هدف کاهش تبعیض، تفاوت و تفکیک‌پذیری انجام می‌گیرد، این چر حالی که همگرایی در برگیرنده اقداماتی است که در نتیجه آن برخی اشکال تبعیض و تفرق متوقف می‌گردد. برای مثال سیاست‌های مربوط به توافق‌نامه‌های تجاری بین‌المللی عرصه را برای همکاری بین‌المللی فراهم کرده، درحالی‌که همگرایی اقتصادی موانع تجاری را از بین می‌برد (Serhal, 2010: 34-36). جوزف فرانکل براین اعتقاد است که همگرایی هم به‌عنوان «فرآیند» همگرایی و هم به «فرجام» این فرآیند اطلاق می‌گردد. فلیپ ژاکوب «همگرایی» را هم به عنوان وضعیت نهایی و هم به عنوان فرآیند تلقی می‌کند (فتوحی، ۱۳۸۹: ۳).

در زیستبوم منطقه‌ای همکاری را می‌توان به عنوان یک فرآیند بی‌انتهای تلقی کرد که به موجب آن یک دولت یا دولت‌ها در درون یک ناحیه ژئوپلیتیکی با هدف تأمین منافع چندجانبه و حل و فصل مشکلات در زمینه‌های مختلف فعالیت می‌کنند، و همگرایی را یک فرآیند عمیق تعریف کرد که به موجب آن واحدهای مستقل در درون یک کل ادغام می‌گردند (Lombaerde, 2009: 8). در این زیستبوم، از یکسو همگرایی اقتصادی به‌عنوان یک فرآیند به کاهش موانع و محدودیت‌های مبادلات و انتقال کالا، سرمایه و کار میان کشورها، هماهنگ‌سازی قوانین و مقررات، پذیرفتن هنجارها و استانداردهای مشترک و همچنین متحد کردن سیاست‌های اقتصادی و ایجاد نهادهای فراملی چون منطقه تجارت آزاد، بازار مشترک، اتحادیه پولی و اتحادیه اقتصادی و سیاسی اشاره دارد (Mirus, Rylska, 2004: و از سوی دیگر به مثابه یک وضعیت، عدم وجود اشکال گوناگون تبعیض در میان کشورها را نشان می‌دهد (Serhal, 2010: 34-36).

شورای همکاری خلیج فارس: از مدیریت همکاری تا تعمیق همگرایی اقتصادی / ۱۹۷



شکل ۱: بنیان‌های مفهومی پژوهش

۳- رویکردی بسترمند به مبانی نظری و فرانظری همگرایی منطقه‌ای

۳-۱. **نظریه سازه انگاری:** سازه‌انگاری به عنوان یک رویکرد فرانظری، همگرایی یا عدم همگرایی میان کشورها را با تأکید بر هویت‌ها، عوامل هنجار- ارزشی، رویه‌ها و ساختار- معنایی رایج تبیین می‌کند (Dehboneh, 2011: 172). در این راستا، سازه‌انگاران معتقدند که همگرایی از طریق «رویه‌ها و شناخت مشترک» میان بازیگران شکل می‌گیرد. از نظر آنها عوامل ژئوپلیتیکی، تاریخی، هنجارها با تحت تأثیر قرار دادن انگیزه و جهت‌گیری واحدهای موجود در یک زیستبوم می‌تواند زمینه را برای همگرایی و عدم همگرایی واحدها فراهم کند ((Dehboneh, 2011: 172-173; Mohamma Nia, 2011: 282)). سازه‌انگاران از بعد امنیت نیز کنش‌ها و واکنش‌های واحدها را برخاسته از همین مولفه‌ها می‌داند نه متأثر از ساختار شبه عینی قدرت. به لحاظ هویتی، هرچه احساس یگانگی بین دولت‌ها بیشتر باشد، بیشتر به سمت رویه‌های امنیتی جمعی اشتیاق نشان می‌دهند و در نتیجه همکاری میان آنها تقویت می‌شود و بالعکس، هرچه از هم احساس دوری بیشتری داشته باشند، روابطشان مبتنی بر خود محوری بیشتر خواهد بود (مشیرزاده، ۱۳۹۰: ۳۳۳).

۳-۲. **کارکردگرایی و نو کارکردگرایی:** کارکردگرایی با نام «دیوید میترانی» در پیوند است. به نظر میترانی سرمنشاء تعارضات میان دولت‌ها، وجود شکاف‌های سیاسی است و نمی‌توان این شکاف‌ها را با توافق حقوقی حل کرد؛ بلکه حل آنها به اقتضای پیچیدگی نظام‌های حکومتی و استلزامات سطح بین‌المللی، نیازمند همکاری فن‌شناسان، و نه نخبگان سیاسی است. نظریه میترانی متضمن نوعی اصل «انشعاب» است که طبق آن توسعه همکاری در یک حوزه ی فنی به ظهور رفتار مشابه در سایر حوزه‌های فنی منجر می‌شود. همکاری کارکردی در یک بخش باعث می‌شود که ضرورت همکاری کارکردی در بخشی دیگر احساس شود (دوئرتی و دیگران، ۱۳۸۴: ۶۶۶-۶۶۷؛ مشیرزاده، ۱۳۹۰: ۶۱).

شورای همکاری خلیج فارس: از مدیریت همکاری تا تعمیق همگرایی اقتصادی / ۱۹۹

برخی از مفروضه‌های کارکردگرایی بنیان تقریر نظریه جدیدی شد که با عنوان «نوکارکردگرایی» از آن یاد می‌شود و بیشتر در پیوند با نام ارنست هاس است (مشیرزاده، ۱۳۹۰: ۶۱). بحث محوری نوکارکردگرایی این است که هنگامی که همگرایی آغاز شد، همگرایی بخشی رفته‌رفته به سایر حوزه‌های عمومی که سطح بالای وابستگی متقابل وجود داشته باشد و یا به صورت بالقوه از این موقعیت برخوردار باشند، تسری می‌یابد. بعید است که بتوان در مقابل گسترش و پخش همگرایی مقاومت کرد. فرآیند گسترش و پخش امکان دارد به صورت نیمه خودکار و یا غیر خودکار باشد (قوام، ۱۳۸۹: ۵۰).

جوزف‌نای به عنوان یکی از نظریه‌پردازان برجسته نوکارکردگرایی، هفت سازو کار فرآیندی در نظریه‌های کارکردگرا و نوکارکردگرا چون تسری افقی - عمودی، افزایش مبادلات، ائتلاف و پیوندهای ارادی، جامعه‌پذیری نخبگان، تشکیل گروه‌بندی‌های منطقه‌ای، جذبه‌های هویت‌ساز و ایدئولوژیک و بازشدن حلقه نخبگان به منظور جذب بازیگران جدید را بازسازی کرده و سپس براساس جرح و تعدیل این سازو کارهای فرآیندی، نظریه امکان همگرایی خود را بیان می‌کند. وی در بحث تسری افقی - عمودی بیان داشت که احتمال دارد نافرجامی‌ها آشفته‌گی‌های ناشی از همبستگی کارکردی بازیگران را به بازنگری در وظایف مشترک خود وادار سازد. وی بیان می‌کند که در این بازنگری «تجربه ممکن است منفی باشد». اگر تجربه منفی باشد، احتمال دارد به جای تسری [مثبت] عمودی و افقی به جلو، حرکت معکوس تسری آغاز گردد (سیف‌زاده، ۱۳۹۱: ۳۱۴-۳۱۶).

۳-۳. نظریه وابستگی متقابل: این نظریه ریشه در طرز فکر بین‌الملل‌گرایانه یا انتر-ناسیونالیستی داشته که بر مبنای آن امور دنیا به طور عینی در جهت جهانی شدن است. این جریان در روند سیاسی به شکل همکاری میان دولت‌ها منعکس می‌شود (مشیرزاده، ۱۳۹۰: ۴۷-۴۸). این نظریه ضمن تأکید بر تجارت آزاد و برداشتن موانع تجارت به عنوان ابزاری برای ایجاد منفعت مشترک و به دنبال آن کاهش منازعه میان دولت‌ها و کاهش نقش

قدرت نظامی، بر توسعه چندجانبه‌گرایی، تجارت و همکاری اقتصادی بین دولت‌ها، (برچیل و دیگران، ۱۳۹۱: ۹۹-۱۰۳)، حساسیت تعاملات اقتصادی میان دولت‌ها نسبت به تحولات اقتصاد ملی (مشیرزاده، ۱۳۹۰: ۴۶-۴۹) و پیوند مستقیم و مثبت منافع دولت‌ها - در بحث مبادلات تجاری - تولیدی (حجم، جریان و تأثیرات آن بر اقتصاد ملی)، مبادلات نیروی کار و انتقال سرمایه، سرمایه‌گذاری‌های خارجی، سیاست‌های تعرفه گمرکی (هماهنگی یا عدم‌هماهنگی) (سیف زاده، ۱۳۸۹: ۳۳۱)، - تأکید دارد.

۴- مدل همگرایی اقتصادی

در چارچوب شبکه معنایی و نظری پژوهش، الگوی مفهومی شکل خواهد گرفت که به‌طور کلی به لحاظ نظری سیر یک پروژه همگرایی در جهت منطقه‌گرایی اقتصادی را به شکلی ساده نشان می‌دهد. این ضمن تأکید بر همکاری به‌عنوان یک فرایند بی‌انتهای همگرایی را به‌عنوان یک فرایند و وضعیت در نظر می‌گیرد.

۴-۱. **فرایند اولیه همگرایی:** در این فرایند، همکاری‌ها به شکلی با ثبات و پایدار در چارچوبی نهادی زمینه را برای تقویت همگرایی فراهم می‌کند. در این مرحله با توجه به اهداف تعریف شده بازیگران، نهادسازی بسترمند معیار و ملاک قرار خواهد گرفت. این نوع نهادسازی به شکلی بسترمند بوده و همکاری بین اعضاء را افزایش می‌دهد. قرار گرفتن تدریجی این قاعده در یک فضای دیالکتیکی با یک فرایند بی‌پایان از کنش‌ها، به تدریج ضمن بالا بردن انسجام نهادی، زمینه را برای تعمیق همکاری‌ها فراهم می‌کند.

در این فرایند معمولاً اقداماتی همچون ایجاد کمیته‌ای تخصصی، کارگزاری‌های منطقه‌ای، امضای موافقت‌نامه‌های ویژه چندجانبه، و فعالیت‌های اقتصادی-تجاری و فنی و غیره از سوی واحدها صورت می‌پذیرد که این خود با افزایش تعاملات و همکاری‌های فراملی زمینه را برای تعمیق همکاری‌ها در جهت همگرایی فراهم می‌نماید. در این مرحله،

شورای همکاری خلیج فارس: از مدیریت همکاری تا تعمیق همگرایی اقتصادی / ۲۰۱

همگرایی ماهیت بخشی داشته و ممکن است با مزایای و امتیازاتی برای واحدها همراه باشد. اما در واقع انگیزه بازیگران برای تداوم همکاری‌ها بر پایه اصل سود و زیان ناشی از همگرایی بخشی تغییر پیدا می‌کند. اگر بازیگران تشخیص دهند که همگرایی در یک بخش با مزایا و امتیازاتی برابر برای همه اعضا همراه بوده، انگیزه برای تداوم همکاری‌ها به تدریج در سایر بخش‌ها افزایش می‌یابد. به موازات افزایش پلکانی حوزه‌های همکاری بین واحدها، مدیریت همکاری‌ها در یک چارچوب پیچیده از انواع روابط ضرورت پیدا می‌کند.

۴-۲. **فرایند تکمیلی همگرایی:** نهادسازی بسترمند، افزایش سطح انسجام نهادی، گسترش همکاری‌ها و تلاش برای مقابله با چالش‌های پیش‌رو بتدریج ضرورت مدیریت همکاری‌ها به شکلی سازمانیافته و گسترده را جهت پیشرفت در سطوح بالاتر و تعمیق تدریجی همگرایی اجتناب‌ناپذیر می‌سازد. مدیریت همکاری‌ها در یک چارچوب پیچیده از انواع روابط زمینه را برای تعمیق همگرایی فراهم می‌کند که سنجش میزان پیشرفت آنها با توجه به مقیاس و سنجه ضمن آشکارسازی چالش‌ها، محذورات و مقدورات پروژه برای نیل به سوی ادغام منطقه‌ای را مشخص می‌نماید.

مدیریت گسترده همکاری‌ها ضمن تقویت همگرایی (بخشی)، فرایند همگرایی را به سمت فرایند تکمیلی سوق می‌دهد. به عبارت دقیقتر، در این مرحله گرایش بازیگران و واحدها برای نقش آفرینی در سطح فراملی تقویت و با ایجاد پیچیدگی و درهم تنیدگی تدریجی به شکلی خودکار و نیمه خودکار مرحله‌ای جدید از همگرایی به وجود می‌آورد که طی آن حوزه‌های همکاری بین واحدها افزایش (فرایند پخش همگرایی) و با تعمیق همگرایی، هر چه بیشتر آنها را به سوی وابستگی متقابل سوق می‌دهد. با مذاقه در این فرض مشخص می‌گردد که همگرایی بخشی که در فرایند اولیه شکل گرفته، به تدریج با سرایت به سایر بخش‌ها در فرایند تکمیلی زمینه را برای ادغام منطقه‌ای فراهم می‌کند.

در فرایند تکمیلی فعالیت‌ها در چارچوب فرایندهایی چون اتحادیه گمرکی، بازار مشترک، همگرایی در حوزه‌های زیربنایی و اتحادیه پولی شکل پیچیده به خود گرفته و کیفیت روابط اقتصادی بین اعضا است که امکان سنجش میزان پیشرفت و تعمیق همگرایی در جهت نیل به ادغام منطقه ای فراهم می‌کند. این مهم با تعیین مقیاس (هدف و میزان پیشرفت) و دادن امتیازاتی به این مقیاس‌ها در محیط ادراکی عملیاتی مشخص می‌گردد (بنگرید به شکل‌های ۲ و ۵ و ۶).

۵- علل و فرآیند شکل‌گیری شورای همکاری خلیج فارس (بستر/کنش)

۵-۱. علل شکل‌گیری شورای همکاری خلیج فارس (بستر)

الف. **بسترهای فیزیکی (جغرافیا و ساختار ژئوپلیتیکی):** شورای همکاری خلیج فارس از جمله سازمان‌های منطقه‌ای است که تحت تأثیر عوامل جغرافیایی و ساختار ژئوپلیتیکی مشابه شکل گرفته است. این کشورها اساساً از نظر جغرافیایی متمایل به گره ژئوپلیتیکی خلیج فارس می‌باشند. آنها به لحاظ محیط فیزیکی دارای محیط یکپارچه با ویژگی‌های جغرافیایی و استراتژیکی مشابه است.

ب. **بسترهای غیر فیزیکی:** از یکسو شورای همکاری خلیج فارس از حیث اجتماعی- فرهنگی وجه اشتراک داشته؛ بدین معنا که بخشی از جهان عرب با فرهنگ، دین، مذهب و پیشینه تاریخی مشترک هستند (Naithani, 2010: 98-99) که این خود در شکل‌گیری «هویتی- مشترک» بین آنها نقش بسیار بارزی داشته است (Dehboneh, 2011: 157). از سوی دیگر، اعضای این سازمان از بعد اقتصادی و سیاسی (ساختاری- هنجاری) دارای تشابهاتی بوده که این وجوه تشابه به‌عنوان یک محرک بین اعضا جهت نیل به سوی اهداف مشترک عمل می‌کند (Serhal, 2010: 31).

پ. **بسترهای امنیتی:** شورای همکاری خلیج فارس از جمله سازمان‌های منطقه‌ای است که برپایه درک مشترکی از امنیت در گره ژئوپلیتیکی خلیج فارس شکل گرفته است. این

شورای همکاری خلیج فارس: از مدیریت همکاری تا تعمیق همکاری اقتصادی / ۲۰۳

سازمان زیر منطقه‌ای با وابستگی متقابل امنیتی میان دولت‌های عضو شکل گرفته است (Sevill, 2011: 53) و دارای منافع امنیتی مشترک است (Kufuor, 2010: 4). در ایجاد درک امنیتی مشترک بین اعضا در زمان و بعد شکل‌گیری عواملی دخالت داشته که مهمترین آنها عبارتند از: ۱) خروج بریتانیا در اوایل دهه ۱۹۷۰ و چالشی‌های امنیتی ناشی از آن چون ملت‌سازی و ترس از برهم خوردن توازن قوای منطقه (Abdulla, 2010: 67-69) ۲) تحولات سیاسی و اقتصادی دهه ۱۹۸۰ چون وقوع انقلاب اسلامی و جنگ ایران و عراق، حمله شوروی به افغانستان، افزایش وابستگی به نفت، رقابت ابرقدرت‌ها (Serhal, 2010: 31)، روی کارآمدن دولت مارکسیستی-لنینیستی در اتیوپی (Alasfoor, 2007) (11):.

بنابراین باید تصریح کرد که این عوامل در پیوستار باهم در یک فضای دیالکتیکی و انداز کنشی، محرک دولت‌های عربی خلیج فارس برای ایجاد شورای همکاری خلیج فارس شد.

۳-۵. **فرآیند شکل‌گیری شورای همکاری خلیج فارس (کش):** تحت تأثیر ملاحظات فوق‌الذکر، تحرکات برای شکل‌گیری شورا به تدریج بالا گرفت. تحرکات اولیه برای ایجاد یک چارچوب همکاری برای دولت‌های عرب خلیج فارس (اعضای کنونی شورای همکاری خلیج فارس) به دهه ۱۹۶۰ برمی‌گردد که ناکام ماند. با آگاهی از خروج با برنامه بریتانیا از خلیج فارس، فعالیت‌های سراسیمه‌ای در خصوص امکان ایجاد یک سازمان منطقه‌ای در خلیج فارس وجود داشت. در این راستا، در سال ۱۹۷۶ وزرای خارجه عربی حوزه خلیج فارس بعلاوه ایران و عراق به دعوت عمان در مسقط در راستای سیاست امنیتی و دفاعی مشترک ملاقات کردند که عملاً نتیجه‌ای به دنبال نداشت.

اما ایده اصلی شکل‌گیری یک سازمان منطقه‌ای [به نام شورای همکاری خلیج-فارس] به هفدهمین کنفرانس اعراب از ۲۵ ژانویه تا ۲۷ نوامبر ۱۹۸۰ در امان پایتخت اردن

با حضور دولت‌های عرب خلیج فارس برمی‌گردد (Popescu, 2001: 28). در این اجلاس شیخ جابر آل احمد با دیگر دولت‌های عرب خلیج فارس ملاقات کرد و تفکر ایجاد سازمانی بین کشورهای عربی حوزه خلیج فارس ارائه داد (Alasfoor, 2007: 30). سپس با اجلاس وزرای خارجی شش کشور عرب خلیج فارس در ۴ فوریه ۱۹۸۱ در ریاض، کویت بر ایجاد شورای همکاری دولت‌های عرب خلیج فارس که بتواند چارچوبی را برای همکاری، هماهنگی و همگرایی در زمینه‌های فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و امور مالی فراهم کند، تأکید کرد. بنابراین در این اجلاس، ایجاد یک سازمان بین‌المللی منطقه‌ای میان آنها با توافق اعضاء رسمیت یافت. در ملاقات دیگر در مسقط از ۹ تا ۱۰ مارس ۱۹۸۱ و نهایتاً ۲۴ می ۱۹۸۱ در ابوظبی (Alasfoor, 2007, : 31)، با انتخاب دبیر کل ساختار نهادی شورا را مشخص کردند (Lawson, 2012: 6). در نهایت همه کنش‌های نخبگان سیاسی دول عربی حوزه خلیج فارس، در یک حلقه ارتباطی مبتنی بر وفاق، در راستای مقابله با چالش‌های سیاسی، اقتصادی، امنیتی، اجتماعی- فرهنگی، منجر به شکل‌گیری شورای همکاری خلیج فارس، متشکل از شش عضو (عربستان، قطر، بحرین، کویت، عمان و امارات متحده عربی) در ۲۵ می سال ۱۹۸۱ شد.

۶- شورای همکاری خلیج فارس: ظهور همکاری‌ها فراملی در پرتوی تعاملات کنشگران ملی

۶-۱. سند، اهداف و ساختار نهادی: بلافاصله پس از شکل‌گیری شورا، اعضا در جهت تدوین سند سازمانی شورای همکاری خلیج فارس یعنی منشور وارد عمل شدند و در نهایت این سند متشکل از یک مقدمه و ۲۲ ماده که به طور رسمی در ۲۵ می سال ۱۹۸۱ رسماً به تصویب اعضاء رسید. در چارچوب منشور سازمان، ماده ۴ به اهداف شورای همکاری خلیج فارس اشاره داشته و که طی آن اعضاء اهم اهداف سازمان را هماهنگی، همکاری، همگرایی و روابط داخلی عملی بین اعضا در تمام زمینه‌ها، تعمیق و تقویت روابط، پیوندها

شورای همکاری خلیج فارس: از مدیریت همکاری تا تعمیق همگرایی اقتصادی / ۲۰۵

و توسعه همکاری‌های عمومی میان مردم در حوزه‌های مختلف، تنظیم قوانین و مقررات مشابه و یکسان در زمینه‌های گوناگون و غیره بیان می‌دارند (Popescu, 2001 : 28-29). در این ماده اشاره‌ای به امنیت در میان‌اهداف اساسی همکاری میان اعضای شورا همکاری خلیج فارس نشده است (Alasfoor, 2007 : 43). این امر به طور کلی می‌تواند بیانگر این واقعیت باشد که پس از شکل‌گیری شورای همکاری خلیج فارس جهت‌گیری‌ها اعضای تغییر کرده و همکاری‌ها بین آنها بیشتر در جهت همگرایی اقتصادی مدیریت شده است (Lawson, 2012: 4).

ماده ۵ منشور نیز به ساختار سازمانی- نهادی شورای همکاری خلیج فارس توجه دارد. بر این اساس، اصلی‌ترین ارکان آن عبارت است از: شورای عالی، شورای وزیران، دبیرخانه و کارگزاری‌های ویژه منطقه‌ای (World Bank, 2010 : 43). در این چارچوب، شورای عالی، عالیترین رکن و بخش اصلی تصمیم‌گیری است. این شورا شامل روسای دولت‌های عضو بوده که دوبار در سال (Sturm et al, 2005: 2 & 24) برای تعیین جهت سیاست‌ها و انتخاب دبیر کل اجلاس برگزار می‌کنند (World Bank, 2010 : 43). شورای وزیران متشکل از وزیران امور خارجه و دیگر وزرائی که از سوی دولت‌های منصوب شده‌اند. این شورا ضمن ارائه توصیه و پیشنهاد در همه زمینه‌ها، با اتفاق آراء برای موضوعات مهم و اکثریت آراء برای موضوعات پروسه‌ای رای‌گیری می‌کند. تعدادی کمیته در سطح وزیران وجود دارد که مهمترین این کمیته‌ها، کمیته همگرایی اقتصادی یعنی کمیته همکاری اقتصادی و مالی متشکل از وزرای مالی و اقتصادی دولت‌های عضو می‌باشد (Sturm et al, 2005 : 24). دبیرخانه نیز بخش اجرایی و اداری شورای همکاری خلیج- فارس است که دبیر کل آن (World Bank, 2010 : 5) به پیشنهاد شورای وزیران توسط شورای عالی برای دوره سه ساله تجدید شدنی منصوب می‌شود (Alasfoor, 2007: 41) و به طور مستقل در راستای منافع مشترک دولت‌های عضو فعالیت می‌کند. (Sturm et al,

(2001:29; Popescu, 2005: 25). شورای همکاری خلیج فارس علاوه بر این، دارای کارگزاری‌های ویژه‌ای بوده که متصدی طراحی و اجرای استانداردهای فنی، میانجی‌گری تجاری- بازرگانی و ثبت امتیازنامه‌هاست (World Bank, 2010: 6).

بنابراین می‌توان گفت پویایی سیستم اقتصاد جهانی، ضرورت کاهش آسیب‌پذیری‌های موجود جهت نیل به مطلوبیت مورد انتظار در اقتصاد ملی و جهانی، به صورت مستقیم و غیر مستقیم اولویت‌بندی‌ها (فردگرایانه) اعضا در مدار شورای همکاری خلیج فارس را تغییر داده؛ به طوری که در دیالکتیک اندرکنش سیاست، امنیت، اقتصاد و فرهنگ- اجتماع در مدار شورای همکاری خلیج فارس اقتصاد متغیر تعیین کننده و جریان غالب، مسائل فرهنگی- اجتماعی، سیاسی مقوم مدار و جریان غالب بر آن بوده و امنیت نیز جریانی مجزا و دائمی مبدل شده که در سطوح مختلف (داخلی و بین‌المللی) از جریان غالب تأثیر پذیرفته و بر آن نیز تأثیر می‌گذارد. در نتیجه باید اذعان کرد شورای همکاری خلیج فارس پس از شکل‌گیری با اصلاح و بازنگری در استراتژی‌ها و جهت‌گیری‌ها، در جهت مدیریت همکاری‌ها برای نیل به همگرایی اقتصادی، نهادسازی کرده است.

۱-۷. فرایند همگرایی اقتصادی در پرتوی تعاملات فراملی کنشگران: از مدیریت همکاری تا تعمیق همگرایی- اقتصادی: در این مجال در راستای پی‌بردن به این مهم که چگونه شورای همکاری خلیج فارس همکاری‌های درون سازمانی را در چارچوب نهادی در جهت تعمیق همکاری‌های و نیل به همگرایی مدیریت کرده، فرایند و وضعیت همگرایی اقتصادی در شورای همکاری- خلیج فارس را در چارچوب الگوی تحلیل پژوهش در دو مرحله مقدماتی و تکمیلی بررسی خواهیم کرد.

۱-۷. فرایند مقدماتی- اولیه همگرایی اقتصادی: نهادسازی بسترمند و مدیریت همکاری‌ها

۱-۱-۷. وضعیت همکاری در چارچوب موافقتنامه یکپارچگی اقتصادی: موافقت‌نامه یکپارچگی اقتصادی بین دولت‌های عضو دو هفته پس امضای منشور شورای همکاری خلیج فارس [تکمیل فرایند همگرایی نهادی] (Makhawi, 1990: 34)، در دومین نشست خود در

شورای همکاری خلیج فارس: از مدیریت همکاری تا تعمیق همگرایی اقتصادی / ۲۰۷

تاریخ ۱۱ نوامبر سال ۱۹۸۱ در ریاض امضاء شد. این موافقت‌نامه، برنامه‌ای را برای فعالیت مشترک اقتصادی و مراحل همکاری و همگرایی اقتصادی مشخص کرد و در واقع هسته برنامه‌ها (OIC, p.110) و ستون فقرات شورای همکاری خلیج فارس در راستای پیگیری سیاست همگرایی اقتصادی بود (Alasfoor, 2007: 56).

موافقت‌نامه مزبور در چهارچوب اصول و مواد مشخصه، به منزله شروع فرایند همگرایی اقتصادی در شورای همکاری خلیج فارس، با هدف یکپارچه سازی نظام تعرفه ها، از بین بردن تبعیض بین دولت‌های عضو در خصوص مقررات حاکم بر جریان سرمایه و کار در سراسر مرزهای مشترک، هماهنگ سازی سیاست‌ها در خصوص همه بخش‌های صنعت نفت، هماهنگ سازی و همگون سازی برنامه‌های توسعه صنعت، یکپارچگی سرمایه گذاری با هدف دستیابی به یک سیاست سرمایه‌گذاری مشترک (Lawson, 2012 : 6)، وحدت و همگرایی قوانین، مقررات و راهبردها در زمینه‌های اقتصادی- مالی و تجاری، پیوندهای زیرساختی بین دولت‌های عضو به ویژه در حوزه ارتباطات و برق و گاز، دستیابی به همگرایی اقتصادی میان دولت‌های عضو با گام‌های تدریجی ابتدا با منطقه تجارت آزاد، اتحادیه گمرکی، بازار مشترک، و پایان آن با اتحادیه پولی و اقتصادی و ایجاد نهادهای مشترک شکل گرفت (OIC, p. 110)، و تا سال ۲۰۰۱ یعنی زمان انعقاد موافقت‌نامه اقتصادی ۲۰۰۱، پایدار ماند.

۲-۱-۲. منطقه تجارت آزاد و موافقت‌نامه‌های تجارت آزاد شورای همکاری خلیج فارس: پس

از امضای موافقت‌نامه یکپارچگی اقتصادی ۱۹۸۱ به عنوان ستون فقرات و هسته فرایند همگرایی اقتصادی، اولین گام عملی مهم با هدف حرکت به سوی همگرایی اقتصادی و مالی با ایجاد «منطقه‌ی تجارت آزاد» برداشته شد (Serhal, 2010 : 31) منطقه تجارت آزاد در

1- Rules of origin.

2- Exported duty-free.

شورای همکاری خلیج فارس در سال ۱۹۸۳ به عنوان اولین مرحله از فرآیند همگرایی با این رویکرد که تعرفه‌های کالا بین دولت‌های عضو کاملاً حذف شود، شکل گرفت. در این فرایند اول اینکه قوانین مبدا دولت‌های عضو را موظف می‌کرد که تولید کالاهایی را در نظر بگیرند که با معافیت گمرکی صادر می‌شود. دوم مقرر گردید کالاهایی از امتیاز معافیت گمرکی بهره‌مند خواهند شد که گواهی مبدا معتبر با تایید رسمی کارگزاران دولتی ارائه دهند. سوم تصریح شد که تولیدات مبدا باید تولیدات ملی باشد و در آن ارزش افزوده^۴ تولیدات (البته نباید کمتر از ۴۰ درصد ارزش نهایی تولید در آخرین مرحله از تولید باشد) و همچنین سهم شهروندان دولت‌های عضو از مالکیت تولید نیز (در واقع نباید کمتر از ۵۱ درصد باشد) در نظر گرفته شود (Rettab, 2007:18-19).

از بعد فرامنطقه‌ای و بین‌المللی نیز، شورای همکاری خلیج فارس به دنبال ایجاد منطقه تجارت آزاد فرامنطقه‌ای و امضای موافقتنامه‌های تجارت آزاد به صورت دوجانبه و چند جانبه با مناطق مختلف است مذاکرات برای ایجاد منطقه تجارت آزاد بین شورای همکاری خلیج فارس و اتحادیه اروپا و آسه آن از مهمترین مذاکرات چندجانبه تجاری شورا محسوب می‌شود (بنگرید به جدول ۱) (Song, 2010 : See to Sturm et al, 2008 :68) :94-95

3- Certificate of origin .

4- Value added.

رویارویی و رقابت ایران و آمریکا در افغانستان بعد از حوادث ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ / ۲۰۹

جدول ۱: وضعیت موافقتنامه های تجاری شورای همکاری خلیج فارس

وضعیت موافقتنامه های تجاری شورای همکاری خلیج فارس				
کشور	عضویت سازمان تجارت جهانی	ایالات متحده آمریکا	مذاکرات دو جانبه با دیگر کشورها	مذاکرات چند جانبه تجاری در مقیاس جامع
عربستان	۲۰۰۵	موافقتنامه چهارجانب تجاری سرمایه گذاری در سال ۲۰۰۳ امضا شد	-	اتحادیه اروپا: امضای موافقتنامه همکاری اقتصادی در سال ۱۹۸۸؛ شروع مذاکرات رسمی برای ایجاد منطقه تجاری آزاد از سال ۱۹۹۰ که تا به امروز ادامه دارد
قطر	۱۹۹۶	موافقتنامه چهارجانب تجاری سرمایه گذاری در سال ۲۰۰۴ امضاء شد و مذاکرات برای موافقتنامه تجارت آزاد ادامه دارد	مذاکرات دوجانبه تجاری با سنگاپور	
عمان	۲۰۰۰	موافقتنامه تجارت آزاد در سال ۲۰۰۶ امضا شد	-	
بحرین	۱۹۹۵	موافقتنامه تجارت آزاد در سال ۲۰۰۴ امضا شد و در سال ۲۰۰۶ اجرایی شد	مذاکرات دوجانبه تجاری با سنگاپور	آ سه آن - فرایند امکان سنجی تکمیل شده و پیشرفت دسته جمعی برای ایجاد منطقه تجارت آزاد ادامه دارد
کویت	۱۹۹۶	موافقتنامه چهارجانب تجاری سرمایه گذاری در سال ۲۰۰۴ امضا شد	مذاکرات دوجانبه تجاری با سنگاپور	همه اعضای شورای همکاری خلیج فارس عضو منطقه تجارت آزاد گافتا می باشند
امارات	۱۹۹۶	موافقتنامه چهارجانب تجاری سرمایه گذاری در سال ۲۰۰۴ امضاء شد و مذاکرات برای موافقتنامه تجارت آزاد ادامه دارد	مذاکرات دوجانبه تجاری با سنگاپور	همه اعضا در حال مذاکرات تجاری با مرکوسور می باشند مذاکرات چند جانبه شورای همکاری خلیج فارس با چین - استرالیا، ژاپن، ترکیه، نیوزلند و هند می در حال اجرا است

Source: World Bank, 2010

۲-۲. فرایند تکمیلی همگرایی اقتصادی: از مدیریت همکاری‌ها تا تعمیق همگرایی

۲-۲-۱. موافقت‌نامه اقتصادی ۲۰۰۱: در چارچوب موافقت‌نامه یکپارچگی اقتصادی، پیشرفت زیادی در فرایند همگرایی اقتصادی در شورای همکاری خلیج فارس حاصل نشد و فقط منطقه تجارت آزاد در سال ۱۹۸۳ شکل گرفت و اجرایی شد، اما در اواخر دهه ۱۹۹۰ شورای همکاری خلیج فارس وارد مرحله جدید از فرایند همگرایی اقتصادی شد. در واقع امضای موافقت‌نامه اقتصادی در سال ۲۰۰۱ در مسقط به عنوان جایگزینی برای موافقت‌نامه یکپارچگی اقتصادی، فرایند همگرایی اقتصادی در شورای همکاری خلیج فارس سرعت را بخشید. این سند اقتصادی اهداف بلندپروازانه‌ای را برای مراحل بعدی همگرایی اقتصادی مطرح کرد (Sturm et al, 2005: 26) که اهم آن عبارتند از: برقراری روابط اقتصادی بین المللی میان دولت‌های عضو و دیگر کشورها و گروه‌بندی‌های اقتصادی، سازمان‌های منطقه‌ای و بین المللی، ایجاد اتحادیه گمرکی، همکاری فنی، ایجاد بازار مشترک، بهبود سرمایه‌گذاری بین دولت‌های عضو و غیره (OIC: 110).

در این راستا، در سال ۲۰۰۱ شورای عالی اقدام به تدوین یک برنامه زمانی برای پیگیری و سرعت بخشیدن به فرایند همگرایی اقتصادی در شورای همکاری خلیج فارس کرد که در آن بر اجرای اتحادیه گمرکی در سال ۲۰۰۳، تدوین رهنمودهای اجرایی مانند ضوابط و معیارهای همگرایی برای اتحادیه پولی، تکمیل بازار مشترک در سال ۲۰۰۷، و نهایتاً پذیرش یک پول واحد در سال ۲۰۱۰ تأکید شد (Sturm, 2005: 27).

۲-۲-۲. اتحادیه گمرکی: پس از اولین گام برای همگرایی اقتصادی در شورای همکاری خلیج فارس یعنی ایجاد منطقه تجارت آزاد، دومین گام مهم عملی در چارچوب اهداف و برنامه‌های «موافقت‌نامه اقتصادی ۲۰۰۱»، با تلاش برای ایجاد اتحادیه گمرکی در شورای همکاری خلیج فارس در ۲۰۰۳ آغاز شد. اتحادیه گمرکی پیشرفته‌ترین مرحله همگرایی اقتصادی شورای همکاری خلیج فارس بوده که تلاش دارد با حذف تعرفه‌های

شورای همکاری خلیج فارس: از مدیریت همکاری تا تعمیق همگرایی اقتصادی / ۲۱۱

داخلی و ایجاد محدودیت در تجارت خارجی مشترک، تعرفه‌های خارجی و سیستم‌های تجارت ملی و داخلی را هماهنگ سازد. این امر بیانگر سطح تقویت هماهنگی نهادی در جهت همگرایی می‌باشد. این اتحادیه بر پایه اصول چون تعرفه خارجی مشترک با نرخ گمرکی ۵٪ بر همه کالاهای وارداتی خارجی، یکسان‌سازی گمرکات داخلی، تحرک آزاد کالا بدون محدودیت‌های گمرکی و غیر گمرکی مبتنی است و در این راستا به دنبال دستیابی به اهدافی از قبیل کمینه ساختن دشواری‌ها، موانع و محدودیت‌ها برای تحرک کالاهای ملی و خارجی افزایش تجارت درون منطقه‌ای بهینه‌ساختن بهره‌برداری از منابع موجود با تسهیل تجارت درون منطقه‌ای و غیره است. در این راستا، تجزیه و تحلیل‌ها نشان می‌دهد که شورای همکاری خلیج فارس (۱) در مورد حذف تعرفه‌ها در سامانه اقتصادی خود نسبتاً ضعیف عمل کرده که این امر عمدتاً ناشی از ناهمگونی اعضای شورای همکاری خلیج فارس در حذف تعرفه‌ها به طور یکسان می‌باشد اما این به منزله عدم پیشرفت نیست بلکه نشان دهنده این واقعیت است که پیشرفت‌ها نسبی و است. (۲) نسبت به یکسان‌سازی و هماهنگ‌سازی رویه‌های گمرکی ضعیف عمل کرده، و در حال حاضر پیشرفت‌های کمی در این راستا در شورای همکاری خلیج فارس می‌توان مشاهده کرد که پیش بینی می‌شود با برنامه‌ریزی‌های صورت گرفته اختلافات در رویه‌های گمرکی کاهش و موضوعات و مسائل مربوط به رویه‌ها و قوانین گمرکی حل و فصل گردد (۳) در تحرک آزاد تجارت و داد و ستد برای اتباع پیشرفت خوبی داشته و انتظار می‌رود است در این شرایط تقویت و به نقطه نهایی نزدیک گردد. (۴) تحرک آزاد افراد و کار با ایجاد رژیم تحرک آزاد تسهیل کرده و با وجود محدودیت‌ها و موانع، پیشرفت خوبی در راستای پیگیری این هدف مهم داشته است و تمایلات نیز پیشرفت بیشتر در این حوزه در آینده نزدیک را نوید می‌دهد (Babar, 2011: 1-40).

۲۱۲ / فصلنامه تحقیقات سیاسی بین‌المللی ♦ شماره ۳۰ ♦ بهار ۱۳۹۶

متغیرهای یا زیر مجموعه های اتحادیه گمرکی

A. حذف تعرفه های درون سامانه ای شورای همکاری خلیج فارس .

مشاهدات کلیدی	گرایش	مقیاس عددی
تعرفه ها بر واردات درون سامانه شورای همکاری خلیج فارس بر بیشتر کالاها به صفر رسیده اما همیشه در عمل به طور یکسان دیده نمی شود	↔	۳

B. هماهنگ سازی رویه های گمرکی

مشاهدات کلیدی	گرایش	مقیاس عددی
اتحادیه گمرکی در سال ۲۰۰۳ ایجاد شد اما شورای همکاری خلیج فارس هنوز بر حقوق گمرکی در کالاهای وارداتی به شورای همکاری خلیج فارس و همچنین مقررات مربوط به عبور کالا تاکید دارد. برنامه هایی برای حل موضوعات تا سال ۲۰۱۵ تدوین شده است .	↑	۲

C. تحرک آزاد تجارت و داد و ستد

مشاهدات کلیدی	گرایش	مقیاس عددی
اتباع شورای همکاری خلیج فارس می توانند در هریک از دولتهای عضو شورای همکاری خلیج فارس به ویژه در امارات متحده عربی آزادانه دادوستدو تجارت کنند .	↑	۴

D. تحرک آزاد افراد و کار

مشاهدات کلیدی	گرایش	مقیاس عددی
برابری در کار بایی به تصویب قانون حمایت از بیمه یکپارچه کمک کرده	↑	۳

مقیاس کلی

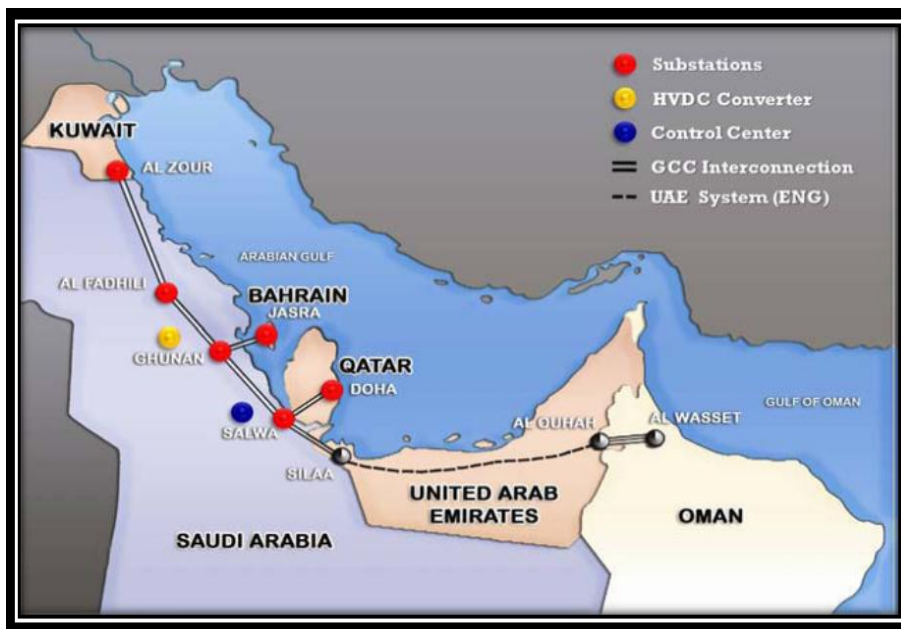
مشاهدات کلیدی	گرایش	مقیاس عددی
اتحادیه گمرکی در سال ۲۰۰۳ ایجاد شد، اگر چه تجارت درون منطقه ای در کمتر از ۱۰٪ باقی مانده است اما تلاش ها برای باز کردن مرزها ادامه دارد	↑	۳

شکل ۲. وضعیت اتحادیه گمرکی در شورای همکاری خلیج فارس تا سال ۲۰۱۱ Source :Shediace et al ,2011:5-11

شورای همکاری خلیج فارس: از مدیریت همکاری تا تعمیق همکاری اقتصادی / ۲۱۳

۲-۳. همگرایی زیرساختی: ایجاد زیرساخت‌های مشترک یکی از حوزه‌های همگرایی در شورای همکاری خلیج فارس می‌باشد که پیشرفت زیادی به همراه پروژه‌های چندملیتی بزرگ در شماری از بخش‌های ایجاد کرده است (Shediac et al, 2011: 17-18). همگرایی زیرساختی در شورای همکاری خلیج فارس حوزه‌هایی چون برق منطقه‌ای، فناوری اطلاعات- ارتباطات، حمل و نقل (هوایی، دریایی، زمینی و ریلی) و انرژی نفت و گاز را در بر می‌گیرد.

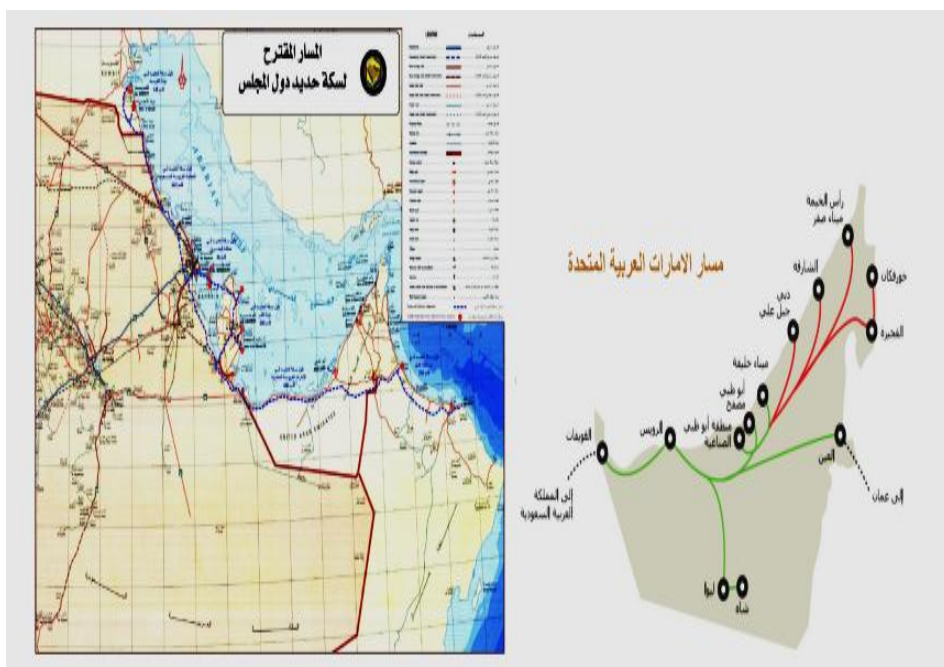
در مورد صنعت برق منطقه‌ای باید گفت که با افزایش قیمت جهانی نفت و تولیدات نفت و گاز، ثروت اعضای شورای همکاری خلیج فارس نیز افزایش یافت، افزایش ثروت با افزایش رشد جمعیت و افزایش نیاز به تقاضای برق همراه بود. در راستای افزایش تقاضای برق و در واکنش به این چالش، کشورهای عضو شورای همکاری خلیج فارس تصمیم به آزاد ساختن بازارهای برق خود کردند (ECA, 2010: 4). در این راستا پروژه‌ای را تحت عنوان «پروژه اتصال برق شورای همکاری خلیج فارس» جهت توسعه و برنامه‌ریزی در زمینه همگرایی منطقه‌ای در شبکه برق را آغاز کردند (Sparrow et al, 2002: 4). پروژه مزبور، ابتدا در سال ۱۹۸۱ با امضای موافقت‌نامه اتصال شبکه برق داخلی شورای همکاری خلیج فارس به طور رسمی آغاز به کار کرد. پس از مطالعات امکان‌سنجی اولیه و ثانویه در سال ۱۹۸۶ و ۱۹۹۲، در سال ۲۰۰۱ به طور جدی (ECA, 2010: 14) با هدف اتصال شبکه برق در دولت‌های عضو، کاهش تولید ذخایر بدون از بین بردن قابلیت اطمینان ذخایر و غیره (Sparrow et al, 2002: 4) در سه مرحله یا فاز پیگیری شد. در نتیجه این فعالیت‌ها فاز اول از سال ۲۰۰۴ تا ۲۰۰۹ تکمیل شد، و فرایند اجرا و تکمیل فاز دوم و سوم اتصال برق هم اکنون ادامه دارد (Kotiuga:3-4).



این پروژه بزرگ فنی در شورای همکاری خلیج فارس، کمک زیادی به گسترش روابط سیاسی و اقتصادی میان دولت‌های عضو در حوزه‌های دیگر کرد و همکاری‌ها را در بخش‌های دیگر چون حمل و نقل و ارتباطات را نیز افزایش داد. در بخش نفت و گاز، پروژه خط لوله گاز شورای همکاری خلیج فارس، گاز طبیعی را از قطر به امارات متحده عربی، بحرین و کویت صادر خواهد کرد. این خط لوله ۳۶۰ کیلومتر طول دارد و با هزینه ۱۰ میلیارد دلاری اجرایی می‌شود (ECA, 2010 :4-11). همچنین، در حوزه حمل و نقل، اقدامات بحرین و قطر - برای راه اندازی جاده و خط راه آهن سریع سیر با هزینه بالغ بر ۴ میلیارد دلار، بحرین و عربستان سعودی - برای توسعه و گسترش جاده شاه‌فهد، عمان و امارات متحده عربی - جهت ایجاد یک اتوبان بزرگ بین دو کشور، و تلاش همه اعضا

شورای همکاری خلیج فارس: از مدیریت همکاری تا تعمیق همگرایی اقتصادی / ۲۱۵

برای احداث - ۲۱۱۷ کیلومتر شبکه خط راه آهن با هزینه بالغ بر ۲۵ میلیارد دلار شایان توجه است. (بنگرید به شکل ۴). به طور کلی این اقدامات با اعلام میزبانی قطر برای جام جهانی فوتبال در سال ۲۰۲۲ تشدید (Shediac et al, 2011:17-20) و در نتیجه زمینه را برای تقویت بیشتر همگرایی فراهم نموده است.



منبع: محلق الخاص حول التكامل المالي و الاقتصادي خليجي - صادر عن وزارة مالى (ديسمبر، ۲۰۱۱)

شکل ۴: خط راه آهن سراسری شورای همکاری خلیج فارس

متغیرهای یا زیر مجموعه های همگرایی زیر ساختی

A. پروژه‌های نفت و گاز

مشاهدات کلیدی	گرایش	مقیاس عددی
تکمیل خط لوله گاز دلقین یک دستاور بسیار عالی در پروژه نفت و گاز در شورای همکاری خلیج فارس است	↔	۳/۵

B. پروژه خط آهن

مشاهدات کلیدی	گرایش	مقیاس عددی
۲۵ میلیارد دلار برای خط راه آهن در شورای همکاری خلیج فارس در نظر گرفته شده که قرار است تا سال ۲۰۱۷ تکمیل شود	↑	۳/۵

C. پروژه برق منطقه

مشاهدات کلیدی	گرایش	مقیاس عددی
پروژه اتصال از آغاز مورد توجه شورای همکاری خلیج فارس بود و فاز اول آن در سال ۲۰۰۹ به بهره برداری رسیده است	↑	۴

D. جاده و پل

مشاهدات کلیدی	گرایش	مقیاس عددی
در اتصال جاده ها در شورای همکاری خلیج فارس سرمایه گذاری با میزبانی قطر در جام جهانی فوتبال در سال ۲۰۲۲ افزایش یافت	↑	۴

E. زیرساخت هوایی

مشاهدات کلیدی	گرایش	مقیاس عددی
در زمینه زیرساختهای چون فرودگاه هریک از کشورهای عضو اقدام کرده اند. بیشتر کشورهای شورای همکاری خلیج فارس بیژن عربستان موافقت آسمان باز را امضاء کرده داند. با این وجود این موافقتنامه در منطقه به طور کامل اجرا نشده است.	↔	۳

امتیاز کلی

مشاهدات کلیدی	گرایش	مقیاس عددی
پروژه‌های چندین میلیارد دلاری در بخش های نفت و گاز، جاده و راه آهن و برق آغاز شده است و به تدریج عملیاتی و به بهره برداری می‌رسند	↑	۳/۵

شکل ۵: وضعیت همگرایی زیرساختی در شورای همکاری خلیج فارس Source: Shediace et al, 2011: 6

شورای همکاری خلیج فارس: از مدیریت همکاری تا تعمیق همگرایی اقتصادی / ۲۱۷

۲-۲-۴. اتحادیه پولی شورای همکاری خلیج فارس: اولین حرکت برای اتحادیه پولی در سال‌های ۱۹۷۵ تا ۱۹۷۸ به وسیله بحرین، کویت، امارات متحده عربی و قطر صورت گرفت که با شکست مواجه شد. پس از شکل‌گیری شورا با ایجاد کمیته کارگزاران پولی و رؤسای بانک مرکزی و کمیته همکاری مالی و اقتصادی در چارچوب موافقت‌نامه یکپارچگی اقتصادی، مقدمات لازم برای شکل‌گیری اتحادیه پولی فراهم گردید. اما عزم جدی اعضا جهت پیگیری این سیاست را باید در اجلاس مسقط در دسامبر ۲۰۰۱ دانست (Antoniadesi, 2011 : 2-23). که در آن اعضا به ایجاد وحدت پولی با یک بانک مرکزی جهت هماهنگ‌سازی سیاست‌های مالی [پولی] رای دادند و در نتیجه این شرایط عرصه مهمی برای حرکت به سمت همگرایی سیاسی و اقتصادی در شورای همکاری خلیج فارس شکل گرفت (shediac et al , 2011 : 8).

در ادامه این فرایند، شورای عالی در دسامبر ۲۰۰۵ در دبی معیارها و ضوابطی را برای همگرایی و یکپارچی مالی و پولی در شورای همکاری خلیج فارس تصویب کرد که در واقع همان معیار و ضوابط پیمان ماستریخت مطرح شد. یعنی اعضا شاخص‌هایی چون نرخ ارز، نرخ تورم و نرخ بهره به عنوان معیار همگرایی پولی و شاخص‌هایی مانند نسبت کسری سالیانه مالی حکومت بر تولید ناخالص داخلی و نسبت قرضه عمومی (بدهی دولت) بر تولید ناخالص داخلی به عنوان معیار همگرایی مالی در نظر گیرند (Drastichova, 2009 : 60-63).

فرایند همگرایی پولی و مالی:

در بحث نرخ ارز بعنوان معیار همگرایی پولی باید گفت در دو دهه گذشته نرخ ارز در شورای همکاری خلیج فارس سطح بالای از ثبات را تجربه کرده است که عمدتاً نتیجه سیاست‌های ارزی یکسان هریک از اعضای شورای همکاری خلیج فارس در قبال دلار آمریکا می‌باشد. سیاست‌های مشابه اعضای شورای همکاری خلیج فارس نسبت به یک ارز

خارجی نه تنها نوسانات تغییر در ارزش پول را محدود کرده، بلکه نقش بسزایی در همگرایی نرخ بهره و تورم داشته؛ به طوری که آمارها نشان می‌دهد از یک سو تحت تأثیر این شاخص در ۱۰ سال اخیر سطح تورم کمتر و اختلاف بین بالاترین نرخ تورم و پایین‌ترین آن به کمترین حد رسیده است (www.MEED.org, 2013: Statistics and reports) و از سوی دیگر سطح برابری در نرخ بهره را به وجود آورده است (sturm et al 2005: 30-35). بنابراین، با در نظر گرفتن این شرایط و با توجه به کسری مالی (بودجه) کمتر از ۳٪ از تولید ناخالص داخلی و بدهی‌های عمومی (بدهی دولت) کمتر از ۶۰٪ تولید ناخالص داخلی بخش مالی شورای همکاری خلیج فارس، می‌توان گفت که این شورا از نظر پولی و مالی سطح نسبتاً بالایی را از همگرایی تجربه می‌کند (Shediace et al 2011: 9).

اما گرچه همگرایی پولی و مالی از شروط لازم برای نیل به اتحادیه پولی به عنوان واقع‌گرایانه‌ترین فرایند همگرایی اقتصادی و وحدت سیاسی است اما شرط کافی نیست و عوامل دیگری چون نگرش‌ها و تعهدات سیاسی، مسائل فنی و نهادی، تنوع اقتصادی و غیره از بعد داخلی و شوک‌های نامتقارن هم از بعد داخلی و هم از بعد بین‌المللی در موفقیت یا عدم موفقیت در کوتاه‌مدت و بلندمدت تأثیر زیادی دارد (Al khater, 2012: 1-10). در نهایت، وضعیت اتحادیه پولی در شورای همکاری خلیج فارس براساس الگوی پژوهش (بنگرید به شکل ۶) بیانگر گام‌های اولیه و در حال پیشرفت اعضای شورای همکاری خلیج فارس برای همگرایی پولی و رسیدن به یک واحد پولی مشترک است.

شورای همکاری خلیج فارس: از مدیریت همکاری تا تعمیق همگرایی اقتصادی / ۲۱۹

متغیر ها

A. مذاکرات برای وحدت پولی .

مشاهدات کلیدی	گرایش	مقیاس عددی
دو کشور امارات متحده عربی و عمان از اجرای برنامه اتحادیه پولی امتناع می کنند و همچنان توافقنامه اتحادیه پولی با امضای ۴ دولت همراه بوده است .	↔	۳

B. هماهنگ سازی سیاستهای پولی و مالی

مشاهدات کلیدی	گرایش	مقیاس عددی
پول های ملی ۵ دولت عضو به طور غیر رسمی به دلار آمریکا وابسته است و معیار های همگرایی پولی همتراز شده اند . با این وجود شورای همکاری خلیج فارس سیاستهای واقعی تری را در طول فرایند همگرایی رسمی نکرده است	↑	۳

C. ایجاد زیر ساختهای نهادی

مشاهدات کلیدی	گرایش	مقیاس عددی
با پیشرو بوده بانک های مرکزی ، اتحادیه پولی ایجاد شده و اجلاس های آن مرتب برگزار شده است . اما همگرایی بخش مالی هنوز به طور کامل برقرار نشده است .	↑	۲/۵

مقیاس کلی

مشاهدات کلیدی	گرایش	مقیاس عددی
اطلاعات هدف مربوط به ۲۰۱۰ بوده است : پیشرفت کم	↑	۲/۸

شکل ۶: وضعیت اتحادیه پولی در شورای همکاری خلیج فارس Source: Shediace et al, 2011: 8

نتیجه گیری

این مقاله با رویکرد انتقادی بر این هدف اساسی استوار بوده که با تحلیل و تبیین فرایند همگرایی اقتصادی در شورای همکاری خلیج فارس ابهام موجود در این خصوص پاسخ داده

و خلاءهای پژوهشی در حوزه مطالعات داخلی را پر کند. یافته‌های پژوهش حاکی از این است که اولویت‌های شورای همکاری خلیج فارس پس از شکل‌گیری تغییر پیدا کرده به طوری که در یک فضای دیالکتیکی و اندرکنش بین عوامل سیاسی، اقتصادی، فرهنگی- اجتماعی و امنیتی، اقتصاد عامل تعیین‌کننده و دیگر عوامل نقش قوام‌بخش را پیدا کردند. تغییر اولویت‌ها با تعیین‌کنندگی اقتصاد، فرایند همکاری را به عنوان یک فرایند بی‌انتهای در جهت نهادسازی بسترمند سوق داد. در این راستا شورای همکاری خلیج فارس اقدام به ایجاد کمیته‌های تخصصی مانند کمیته صادرات، کمیته همگرایی اقتصادی، کارگزاری‌های ویژه منطقه در سطح فراملی کرده و همین امر انگیزه بازیگران جهت تقویت همگرایی- اقتصادی افزایش داد. این فعل و انفعالات به شکلی سیستماتیک (همکاری‌های سازمان- یافته) شرایط را برای ظهور فرایند اولیه همگرایی اقتصادی فراهم نموده که در آن شورای- همکاری خلیج فارس به انعقاد موافقت‌نامه یکپارچگی اقتصادی و همچنین ایجاد منطقه آزاد تجاری اقدام کرده که در نتیجه آن چندچانه‌گرایی بین اعضا با همگرایی بخشی تقویت می‌گردد.

افزایش سطح انسجام نهادی با نهادسازی بسترمند، تلاش اعضا برای رفع چالش‌های پیش‌رو و تقویت انگیزه اعضا برای حرکت در جهت اهداف مشترک تعیین شده در فرایند نهادی، ضرورت مدیریت همکاری‌ها در فرایند همگرایی را فراهم ساخت که این مهم در موافقت‌نامه سال ۲۰۰۱ وجهه عملی به خود گرفت. این موافقت‌نامه به عنوان جایگزین موافقت‌نامه اولیه، همگرایی اقتصادی را در فرایند نهایی یا تکمیلی قرار داد زیرا بر پیگیری سریع اهدافی چون ایجاد اتحادیه گمرکی، همگرایی زیرساختی، اتحادیه پولی و غیره مطرح ساخت. در راستای پیگیری این اهداف، در چهارچوب الگو، تجزیه و تحلیل به طور کلی نشان می‌دهد که شورای همکاری خلیج فارس در این فرایند علیرغم وجود برخی چالش‌ها، عملکرد نسبتاً خوبی داشته است. در این مرحله همگرایی بخشی به تدریج به سایر

شورای همکاری خلیج فارس: از مدیریت همکاری تا تعمیق همگرایی اقتصادی / ۲۲۱

حوزه‌ها همکاری سرایت پیدا کرده (همگرایی در حوزه برق به همگرایی در سایر حوزه های زیرساختی چون حمل و نقل، انرژی نفت و گاز و صنعت هوانوردی) و همین امر ضمن تعمیق همگرایی زمینه را برای افزایش وابستگی متقابل بین اعضا فراهم ساخته است. بنابراین می‌توان گفت مدیریت بسترمند همکاری‌ها توسط اعضای شورای همکاری خلیج فارس در سطح فراملی، علیرغم وجود برخی چالش‌ها، با تعمیق همگرایی اقتصادی و ایجاد وابستگی متقابل بین آنها، بستر مناسبی را برای حرکت در جهت منطقه‌گرایی اقتصادی در بستر سامانه منطقه ای فراهم نموده است.

منابع

- برچیل اسکات و دیگران. (۱۳۹۱). نظریه‌های روابط بین‌الملل، ترجمه حمیرا مشیرزاده و ابوطالب طالبی ارانی، تهران: میزان.
- سیف زاده، حسین. (تابستان ۱۳۸۹). نظریه‌پردازی در روابط بین‌الملل مبانی و قالب‌های فکری، تهران: نشر سمت، چاپ هفتم.
- فالتزگراف رابرت، دئورتی جیمز. (۱۳۹۱). نظریه‌های متعارض در روابط بین‌الملل، ترجمه وحید بزرگی و علیرضا طیب، تهران: انتشارات قومس، چاپ چهارم.
- قوام، عبدالعلی. (۱۳۸۶). روابط بین‌الملل نظریه و رویکردها، تهران: انتشارات سمت، چاپ چهارم.
- مشیرزاده، حمیرا. (زمستان ۱۳۹۰). نظریه‌های روابط بین‌الملل، تهران: انتشارات سمت، چاپ ششم.
- فتوحی، صمد. (فروردین ۱۳۸۹). جهانی شدن و همگرایی منطقه‌ای در کشورهای خلیج فارس، «مجموعه مقالات چهارمین کنگره بین‌المللی جغرافیادانان جهان اسلام، ایران، زاهدان.
- وزاره مالیه. (دسامبر ۲۰۱۱). محلق الخاص حول التكامل المالی و الاقتصادی خلیجی.
- Abdulla, Abdulkhaleq. (September 2010). "Contemporary sociopolitical issues of the Arab Gulf moment", Kuwait Programme on Development, Governance and Globalisation in the Gulf States, Number 11.
- Al Makhawi, Rashid. (1990). "The Gulf cooperation Council a study Integreation" International Studies Unit University of Salford.
- Antoniadesi, Alexis. (January 2011). "The Gulf Monetary Union", Prepared for CIRS' Political Economy of the Gulf working group.
- Bin Rashid al Khater, Khalid. (may 2012) "The monetary union of the Gulf cooperation council and structural changes in the globe economic : aspiration, challenge and long-term strategic benefits", research paper, Arab center for research and policy studies

شورای همکاری خلیج فارس: از مدیریت همکاری تا تعمیق همگرایی اقتصادی / ۲۲۳

- Babar R, Zahra. (2011). " Free Mobility within the Gulf Cooperation Council", Center for International and Regional Studies, Georgetown University School of Foreign Service in Qatar, Occasional Paper No. 8.
- ECA(Economic Consulting Associates).(February 2010). " The Potential of Regional Power Sector Integration Gulf Cooperation Council Countries / Transmission Trading Case Study", Economic Consulting Associates ,Economic Consulting Associates Limited Lonsdale Road, London NW6 6RA.
- H. Lawson ,Fred .(2012). " Transformations of Regional Economic Governance in the Gulf Cooperation Council", Center for International and Regional Studies , Georgetown University School of Foreign Service in Qatar.
- Hwang K.D,(2006). " Teorising politico- security regionalism", Uneversity of pertoria etd.
- Kotiuga , W Willy." The Power of Regional Interconnections", Paper for submission to Session on Issue 1.7: Energy supply bottleneck, Montreal, Canada.
- Oteng Kufuor ,Kofi.(May 2010). " The Economic Agreement between the Gulf Countries Council ", ,Economic Integration in Developing Countries, University of Birmingham, www.b-ham.ac.uk.
- Ombaerde De, Philippe, Söderbaum , Fredrik, et al.(April 2009) . " The Problem of Comparison in Comparative Regionalism" , Miami - Florida European Union Center, Jean Monnet Chair Staff , Published with the support of the EU Commission, Vol. 9 No. 7.
- Lotfian ,Saideh.(Winter 2007-08). " New Security Challenges in the Persian Gulf Analyzing the National Interests of Iran, US, and PGCC Triad", The Iranian Journal of International Affairs Vol. XX, No.1.
- Mirus, Rolf and Rylska , Nataliya.(2010) . " Economic Integration Free Trade Areas Vs. Custom Unions",Western Centre for Economic Research.
- Mohammad Nia, Mahdi (March 2011). " Holistic Constructivist Approach to Iran's Foreign Policy", International Journal of Business and Social Science, Vol. 2 No. 4.
- Maurise Serhal ,Celine .(2010) ."Arab economic Integration : between regionalism and globalization ",American University of Beirut.
- Naji Saeid, Jawan ,Jayum A.(May 2011). " Role of the Persian Gulf"s Oil in the US Geopolitical Codes during the Cold War Geopolitical Order", International Journal of Humanities and Social Science Vol. 1 No. 5.

- Naithani ,Pranav.(January, 2010). " Challenges Faced by Expatriate Workers in Gulf Cooperation Council Countries", *International Journal of Business and Management*, Vol. 5 No. 1.
- OIC, " Enhancing economy and commerical cooperation among OIC member of countries ", www.comcec.org , www.sesrice.org.
- Popescu Maria-Magdalena, Suha Mustafa.(April 2001) . " The Gulf Monetary Unification Opportunities and Challenges" *Economic Information ,Arab Bank E V I E W* Vol. 3, No. 1.
- Alasfoor ,Reyadh.(2007). " The Gulf Cooperation Council Its Nature and AchievementsThe Gulf Cooperation Council: Its Nature and Achievements A Political Analysis of Regional Integration of the GCC States 1979-2004", *Lund Political Studies 149 Department of Political Science Lund University*, <http://www.svet.lu.se/lps/lps.html>.
- Rouhi Dehboneh, Majid.(2011). " New Approach to Reasons for Disintegrations of Iran and Persian Gulf Cooperation Council", *European Journal of Social Sciences – Volume 24*.
- Rettab Belaid, Istaitieh Abdulaziz.(2007) " GCC Economic Integration in Focus With Special Reference to the UAE ", *DCCI – Data Management & Business Research Departmen*, Website: www.dcci.ae.
- Sturm ,Michael, Siegfried Nikolaus.(June 2005). " Regional monetary integration in the members states of the Golf cooperation Coucil", *European Central Bank, Occasional paper serius NO. 31*
- Sturm ,Michael, Siegfried Nikolaus.(july 2008). " The Gulf Cooperation Council countries economic structures recent developments and role in the global economy", *European Central Bank, Occasional paper serius NO. 92*
- Shediak ,Richard ; Abouchakraet ,Rabih ,et al.(2011). " Economic Diversification The Road to Sustainable Development", *Booz & Company Inc.*
- Song, NIU.(2010) . " The Economic and Trade Cooperation between ASEAN and the Gulf Cooperation Council", *Journal of Middle Eastern and Islamic Studies (in Asia) Vol. 4, No. 4*.
- Sevilla ,Henelito A.(2011) . " Re-constructing the Political Mindset of the Persian Gulf Security" *International Journal of West Asian Studies*, Vol. 3 No. 1.
- Sajedi ,Amir.(Summer 2009):) *Geopolitics of the persian Gulf security: Iran and the united states* ", *IPRI Journal IX*, no.2.
- Sparrow , F.T. , et al .(October 2002) "The Gulf Cooperation Council & Economic Integrated Electricity Planning, 2003 to 2015 ", *purdue University , West Lafayette, Indiana, U.S.A.*

شورای همکاری خلیج فارس: از مدیریت همکاری تا تعمیق همگرایی اقتصادی / ۲۲۵

World Bank.(October 2010). " Economic Integration in the GCC ", The International bank of Reconstruction and Development , Office of the Chief Economist Middle East and North Africa Region The World Bank. Middle East Economic Digest (MEED)," Statistics and reports " ,www Meed.org